

# پلخمون

شماره ۱۰۴

شماره روزنامه ۴۲۰۳۳  
شنبه ۸ اردیبهشت  
۱۳۰۳

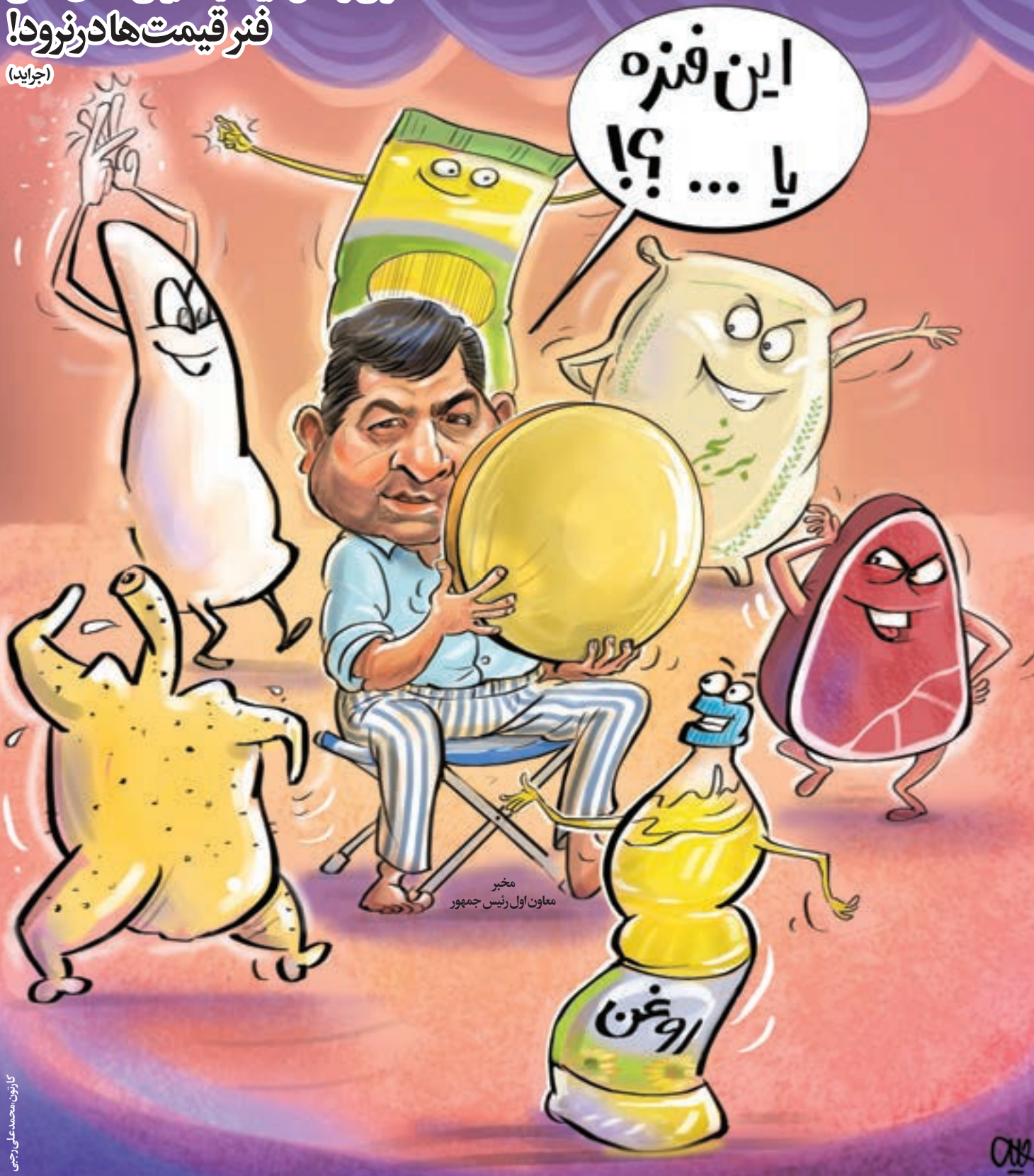
ضمیمه طنز  
و کاریکاتور  
روزنامه شهر آرا



قیمت: قبلا حساب شده:

## نگرانی از ۲ سال تثبیت قیمت برخی کالاهای اساسی فتر قیمت ها در نرود!

(جراید)



مخبر  
معاون اول رئیس جمهور

کارتون: محمدعلی رجعی

جت سواران

کمیگ / صفحه ۸

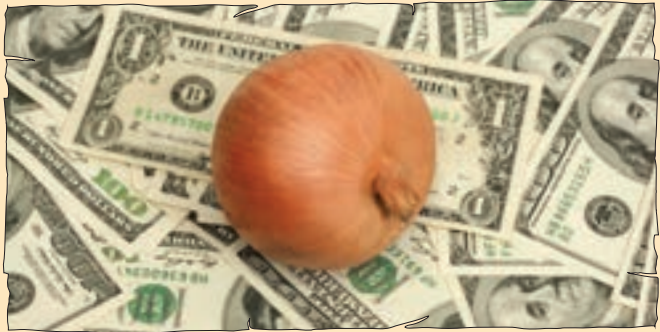
تفریحات دهک خود  
راتوضیح دهید

زنک انشا / صفحه ۴

رابطه عجیب  
نرخ ارز و پیاز

مازلاق / صفحه ۲

## رابطه عجیب نرخ ارز و پیاز



در خبرگزاری ها خبر کاهش قیمت طلا و ارز را می خوانیم. خبرگزاری ها نوشته اند که دلار به کانال ۶۳ هزار تومان بازگشته است و خریداری در بازار نیست و... در همین راستا بسیار شادمان می شویم و به خودمان نوید می دهیم که حتما دیگر کالاها هم قیمتشان کلی پایین تر آمده است. زیرا همین چند روز پیش که رفته بودیم خودرو و پیاز و شکر و... بخریم و باقیمت های گزافشان روبه رو شده بودیم. فروشندهگان از گران شدن ارزها می گفتند و آن را دلیل افزایش قیمت هایشان می دانستند.

به خبرهای همان روز خبرگزاری ها نگاهی می اندازیم. یکی از آن ها از نوسان قیمت پیاز نوشته است. تا آن لحظه تصور می کردیم «نوسان قیمت» را فقط برای طلا و دلار و امثالهم استفاده می کنند. مدیرکل دفتر سبزی و صیفی وزارت جهاد کشاورزی در توجیه گرانی پیاز گفته است: «بارندگی شدید موجب توقف برداشت مقطعی پیاز شد». در همین زمینه به این تحلیل می رسیم که با افزایش قیمت دلار و بارندگی شدید و کاهش بارندگی و تغییر سبک زندگی مردم و استفاده بیش از اندازه پیاز در سالاد و... ممکن است قیمت پیاز بالا برود. اما کاهش قیمتش به هیچ کدام از این عوامل ربطی ندارد.

در ادامه و باز هم همان روز در خبرها می خوانیم: «آغاز فروش سایپا ۱۵۱ با قیمت جدید؛ افزایش نزدیک به ۵۰ میلیون تومانی وانت سایپا» در همین راستا دوست داریم به سایپا بگوییم: «آخرش خودرو کیلویی چند؟». و با خودمان می گوییم کاش آلبرت اینشتین زنده بود و فرمول ربط بین قیمت خودرو و ارز را هم کشف می کرد!

باز هم در همان روز این تیتیر خبر توجه ما را به خود جلب کرد: «توضیح رئیس سازمان صمت تهران درباره افزایش قیمت لوازم خانگی» معنی این خبر این است که آن قدر قیمت لوازم خانگی زیاد شده است که مسئولی حاضر به توضیح در آن باره شود.

درباره شکر هم مدیرعامل یکی از شرکت ها خواسته است که نرخ جدید شکر به زودی اعلام شود و قاعدتا منظورش آن است که جهاد کشاورزی قیمت بیشتری را اعلام کند! در همین راستا صفحه خبرگزاری ها را می بندیم و سعی می کنیم پس از خوردن کمی دمنوش گل گاوزبان، فقط به همان خبر ابتدایی کاهش قیمت ارز و سکه فکر کنیم و روز خوبی را برای خودمان آرزو می کنیم.

## به خاطر یک لقمه نون

چند روز پیش خبری شنیده شد و هرچی منتظر موندیم تکذیب بشه، نشد که نشد. البته ماجرا اون قدر هم عجیب نیست. ولی خب خیلی وقت بود که از این داستانا نداشتیم و گفتیم شاید ملت دیگه بزرگ شدن و از این کارا نمی کنن. قضیه از این قرار بود که دو تا مرد بزرگ توی بازار تهران بر سر برداشتن نون بربری برشته با هم درگیر شدن. توی این نزاع یکی از طرفین دعوا با دندون گوش طرف مقابل رو کند!

خب شاید شما در نگاه اول تعجب کنین یا بگین این دیگه چه مدلشه و مگه بربری هم دعوا داره؟ ببینین عزیزان، دعوا سر خود بربری نبوده، بلکه سر بربری برشته بوده. شما ببین بربری چییه که حتی سر برشته ش هم دعوا می شه. طبیعتا اینجا تقصیر نونواست. اگه همه نونا رو برشته می کرد، الان یکی بی گوش نمی موند. باز اینا که خوبن، همین که به کندن به گوش ختم شده، باید برن خدا رو شکر کنن. ما منتظر بودیم به خاطر یه نون برشته همدیگه رو کشته باشن. قسمت جالب تر ماجرا اینجاست که حالا همین دو تا از در همین اتاق بخوان برن بیرون. یه ساعت به هم تعارف می کنن. ولی خب باز لازمه بگم نون بربری برشته کجا، احترام و ادب و تعارف و این طور چیزا کجا! اصلا مقایسه شدنی نیست. الان بربری می تونه قسم بخوره به خاطر من خون ریخته شده. اگه قبل از اینکه نون بربری برشته وارد این کشور می شد، اول فرهنگ استفاده ش وارد می شد، امروزه یه انسان بی گوش نمی موند. بعدش هم نخواستیم به جای اینکه مادر اتون رو بفرستین نون بگیرن، خودتون برین نون بگیرین. همون خودشون برن سنگین تره. خلاصه که مراقب باشین. بعضی مردم این روزا خیلی عصبانی ان؛ گوشاتون رو بیوشونین. چشماتون رو هم همین جور گوش لو رفته دیگه. شاید نفر بعدی که خواست همچین حرکتی بزنه، چشم طرف مقابل رو دربیاره!

اصلا به نظرم بربری رو ولش کنین. برین سنگک بگیرین. سنگک با گوش بهتر از بربری برشته و گوش نداشته ست. باز اگه گوش درمی اومد، آدم دلش نمی سوخت، ولی در نمی آد که. همون سنگک رو بگیرین؛ کسی نه سر خودش دعوا داره نه برشته ش. گوشاتون هم سالم می مونه.



صفحه ۲  
۸ اردیبهشت ۱۴۰۳  
شماره ۱۰۴

## کُخ تو کُخ منصوره احمدی

### حضور رئیس جمهور در جمع مردم سریلانکا

۱ برای این جمعیت؟! کاش قبلیش هماهنگ می کردین با به فلافل جمعش می کردیم.



۲ نخبر

۱ مردم شریف سریلانکا... ها راستی قبلیش به شما ناهار دادن؟

### در حاشیه حضور اعضای هیئت دولت در جمع خبرنگاران:

دربی تکذیب یا تأیید نکردن وزیر ارتباطات درباره خرید دیجی کالا از سوی همراه اول



۱ قربان چرا به شما می گن، «وزارت بی اطلاع ارتباطات،؟!»

۲ اطلاعی ندارم.

### واگذاری رسمی مالکیت باشگاه های پرسپولیس و استقلال به بخش خصوصی



۱ جان ما نگا کیومرث! عین پفک نمکی، باشگاه به اون عظمت رو خرید کارت هم کشید! اون وقت سرویس کردن ما رو این قدر که می گن شیش دهک جامعه توان خرید خونه ندارن. اینام جامعن دیگه، اقوام پدری من که نیستن.

۲ اون شیش دهک من و تویم احسان جان! مردم دارن، خوب هم دارن، رو نمی کنن آتیش پاره ها

### رونمایی از ۲۵ دستگاه خودرو عملیاتی سازمان محیط زیست در تهران



۱ کو؟ از این داخل که حیوون پیدا نیست. مگه گفتی با اینتا می شه هر حیوونی رو دید؟

۲ بله قربان، فقط جسارتا باید تازینستگاه حیوون هم تشریف ببرین اینجا زینستگاه من و همکارمه!

## راهنمای سفر

دگر ز منزل جانان سفر مکن درویش  
که سیر معنوی و کنج خانقاهت بس  
هوای مسکن مألوف و عهد یار قدیم  
ز رهروان سفر کرده عذرخواهت بس

ای صاحب فال! دوست داری سفربری، ولی هزینه هاز یاد شده ونمی تونی!  
خب حافظ هم به شما گفته که سفر نکن! بشین منزل! چه مرضی داری  
که سفربری؟ همین سیر وگشتن توی شهر خودت و نشستن گوشه منزل  
با خانواده چه اشکالی داره؟!  
دریبت دوم هم از خانه تعریف کرده و گفته هیچ جاخونه خود آدم نمی شه!  
خونه هواش خوبه و خطر تصادف هم نیست، تازه خانومت، یار قدیمت،  
هم هست! بشینین خاطرات سفرای قبلی تون رو واسه هم تعریف کنین!  
ناراحت هم نباش و عذاب و جدان نگیر! عذرخواهی از خانواده هم لازم  
نیست! همه این مشکل رو دارن. واسه همین اصلا اعلام کردن که: سفر  
از سبد هزینه ای خانوار حذف شده است!



در حاشیه توافق گل محمدی باتراکتور برای مربیگری این تیم

یحیی گل محمدی

یحیی جان، چی شد؟ می آیی مربی تراکتور بشی یا نه؟

فعلا که قهرم. حالا فردا بشه، ببینم چی کار می کنم.

قهر چرا؟ ماکه هنوز کاری نکردیم...

از شما نه، درویشی هی من قهر می کردم و می گفتم  
قرار دادم رو تمدید کن قبول نمی کرد، الان اومده  
می گه اولویت اول نقل و انتقالش تمدید قرارداد  
دستیار منه! من هم قهر کردم.

آقاخب با اوناقهری، به ماچه؟

راست می گی ها.

پس ببندیم؟

خودت ببندی ادب! اصلا من قهرم.

آقا من قرار داد رو گفتم، جسارت نکردم، کی  
می آیی سر تمرین؟

هروقت بازیکنای قدیم پرسپولیس روانداختی بیرون.

اون چرا؟

کلی زحمت کشیدم از تیم قبلی انداختمشون بیرون،  
باز همه توی تیم جدیدم باشن؟

راست می گی ها، هرکی رواز پرسپولیس انداختی  
بیرون، ما جذب کردیم.

باشه، بذار آخر فصل ردشون می کنیم برن.

خب خدا خیرت بده، پس من می آم تا فیفادی  
بعدی که قهر کنم.

خدا ایلا!

صفحه ۲  
۸ اردیبهشت ۱۴۰۳  
شماره ۱۰۴

## پول داران کهنه پوش کهنه سوار

**شهرآرا:** رقیب اصلی یزدانی، غایب  
بزرگ پاریس  
**یافزار:** امان از آه ایرانیا! سنگ رو خرد  
می کنه، چه برسه به دیوید تیلور!



**فارس:** در بی بارندگی های اخیر، چین  
به زیر آب رفت  
**یافزار:** وکلی موجود زیر آب منتظرن  
تا انتقام هم نسلشون رو که توسط  
چینی ها خورده شدن، بگیرن!

**شهرآرا:** افزایش ۵/۵ برابری  
دو چرخه های اشتراکی در مشهد  
**یافزار:** شهرداری داره شهر رو واسه  
بعد از گرونی بنزین آماده می کنه!



**آسیا:** یک قدم تا تعطیلی شنبه  
**یافزار:** آگه همون یک قدم پاش گیر  
نکنه و با سر نره توی دیوار و تعطیلی  
کلا کنسل نشه!

**فارس:** تورم کاهش می یابد  
**یافزار:** برنامه امشب سینما ماوراء!

**شهرآرا:** فروش داروهای خاص  
به شرط تجویز فوق تخصص  
**یافزار:** شرط تجویز داروی خاص  
از سوی برخی فوق تخصص ها،  
پرداخت هزینه از زیر میز!

**شهرآرا:** رونق فروش لباس تاناکورا  
در مناطق برخوردار مشهد  
**یافزار:** آگه واردات خودروهای  
کار کرده هم آزاد بشه، به زودی  
شاهد پدیده «پول داران کهنه پوش  
کهنه سوار» خواهیم بود!

## تشبیهت گالاهای اساسی در طی ۴ سال قبل

بیا دیگ گروهی سر نره باز  
کش نرخ تورم در نره باز  
ببینه کاش دولت این شپش ها  
به جیب بنده دائم ور نره باز!

## پاسنگونبور و وزیر تباطات و فناوری اطلاعات

جوابی داده تا حالا، نه والا  
ولو از نوع سربالا، نه والا  
صدا از سنگ شاید در بیاید  
ولی از این وزیر ما... نه والا!

## ایران خودرو و ساپا ۶ سال است که از جیب می خورن

چه فرقی داره تیبیا یا سمند؟  
نه ترمز داره، نه بوق و نه دنده!  
درسته! می خوره از جیب، اما  
نه از جیب خودش، از جیب بنده!

## یک مقام صنفی: با فلولت همین قیمت های موجود را حفظ کن

چرا هرچی که می بینی گروه  
برنج و گوشت یا ماشین و خونه  
وزیرا می شه قیمت ها برای  
فقط یک ثانیه ثابت بمونه؟

# تفریحات رهاگ خور را توضیح دهید

تاریخش نزدیکه، زود بده بخورن تا منقضی نشده. تازه ناهارها کته می خوردیم و شام ها هم یک شب در میان نیمروی هم زده و املت گوجه می خوردیم که عمرا پول دارها بخورند. خلاصه که به نظر ما، پول دارها یا به قول پدرمان دهک دهمی ها اصلا تفریحات آن چنانی ندارند که چهل برابر تفریحات ماگران تر باشد. تفریحات ما خیلی بهتر است؛ مخصوصا وقتی باد بتری های نوشابه زیر آب دریا خالی می شود و از کنارمان حباب بالا می آید و کلی می خندیم!

و شوهرخاله مان دو ماشینه رفتیم شمال. کنار پارک ساحلی چادر زدیم و از توالت پارک استفاده می کردیم. البته باید از یک ساعت قبل به فکر می بودیم و توی صف می ایستادیم تا وقتی داشت می ریخت، نوبتمان بشود. تازه بیشتر هم بهمان خوش می گذشت وقتی بتری های نوشابه خانواده خالی را به کمرمان می بستیم و توی دریا شنا می کردیم. صبحانه ها هم هرروز شیر می خوردیم، مثل پول دارها. البته یک شب شنیدیم که پدرمان بپوشکی به مادرمان گفت: «اینارو تعاونی داده».

پدرمان دیروز داشت درگروه فامیلی استیکر سبد گل با متن «صبح آدینه شما اعضای گروه خجسته باد» می گذاشت که ناگهان فریاد کشید. فکر کردیم فیلتزشکنش قطع شده یا بسته اینترنتش تمام شده است. ولی بعد با صدای بلند برایمان تعریف کرد که کارشناسان گفته اند «دسترسی به سفر برای اقشار کم برخوردار سال به سال کمتر می شود».

البته فریاد پدرم برای این نبود. به خاطر این بود که درگروه فامیلی اشتباهی استیکر قلب با متن «دوستت دارم» گذاشته بود. البته خوشبختانه فوراً با جانقش رامنشن کرده بود تا همه فکر کنند برای شوهرخاله مان این استیکر رافرستاده است. بگذریم، در متن آن خبر آمده بود که هزینه تفریحات دهک دهم چهل برابر دهک اول شده است. از پدرمان پرسیدیم دهک یعنی چی؟ پدرمان درحالی که هنوز گوش هایش سرخ بود، گفت: یعنی اگر مردم را تقسیم بر ۱۰ کنی، هر قسمت می شود یک دهک. گفتیم الان دهک ما چند است؟ پدرم گفت دقیق نمی دانم، ولی همان اول هایش هستیم. پرسیدیم خب چه کسانی در دهک دهم هستند؟ پدرمان که دیگر داشت حوصله اش سر می رفت، گفت پول دارها.

این بار با احتیاط پرسیدیم مگر آن ها چه تفریحاتی دارند که چهل برابر دهک مامی شود؟ پدرمان گوشه را گذاشت کنار و گفت: «نمی دونم، ولی توی فیلما دیدم که پول دارا می رن مسافرت، می رن گلف، اسکی، کنسرت...» خب ما هم که اسکی می رویم، زمستان پارسان پدرمان از همسایه مان تیوپ تراکتورش را قرض گرفت و رفتیم کوه سر خوردیم. گلف هم که همان توشله بازی خودمان است که باید تپله ها را توی سوراخ بیندازیم. متخصص کنسرت هم که پسرعمویمان است و از وقتی یک تیمپو خریده است، هر وقت دور هم جمع می شویم، او ضرب می زند و عمو هم آهنگ دیش دیری دیبرین می خواند. ما هم تخمه می شکیم و دوانگشتی دست می زنیم تا عمو داد نزند و صدایش خروسکی نشود. تازه ما در تعطیلات نوروز هم به مسافرت رفتیم که خیلی خوش گذشت. با خانواده خاله



صفحه ۴

۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

شماره ۱۰۴

## روی خود بوق نصب کنید!



فرهنگ شهروندی

فرهاد ناجی

شاید برای شما هم پیش آمده باشه که خواسته یا ناخواسته شاهد یه جدال و یقه گیری توی خیابون شده باشین. ممکنه به ندرت پیش بیاد، ولی احتمالش وجود داره که یک درصد از این موارد رو دیگران شاهد شما باشن و شما مشهود! کسانی رو که مشهود می شن، می شه به چهار دسته تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستن که آدمای خوش اخلاقی محسوب می شن و

حتی در زمان مشهود شدن با شعر و ترانه و ادبیات کهن و شعر نیمایی حرف می زنن. دسته دوم کسانی هستن که ادبیاتشون کمی متفاوته و روی خطوط قرمز راه می رن و منتظر می مونن تا طرف مقابل ابتدا از خطوط قرمز پا رو فراتر بذاره و بعد اونو هم دنبالشون راه بیفتن. دسته سوم که قریونشون برم، از همون ابتدای امر از خطوط قرمز که هیچ، از خطوط بنفش و مشکی و سیاه (بالا تر از سیاهی رنگی

نیست) هم ردمی شن و دیگه با ادبیات طرف یا طرفای مقابل هیچ کاری ندارن. آخرین دسته هم دسته چهارم یا سوم پیشرفته محسوب می شن که اگه مقابلشون یک هم دسته ای قرار بگیره، احتمال دست بردن به اسلحه سرد و گرم و لرم هم وجود داره. ما پیشنهاد می کنیم که امروزه همه مردم از هوش مصنوعی استفاده کنن و همیشه توی جیبشون یک پخش کننده موزیک

# آشنایی با مهارت‌هایی که به اختیار منجر می‌شوند



کارتون: مجید صالحی

صفحه ۵  
۸ اردیبهشت ۱۴۰۳  
شماره ۱۰۴

معاون دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر گفته است: «۳۰ درصد معتادان مهارت «نه گفتن» را ندارند.» به همین بهانه به یکی از مراکز ترک اعتیاد سر زدیم تا با معتادان گفت و گو کنیم و دلیل اعتیادشان را جویا شویم.

**خبرنگار:** شما چرا درگیر اعتیاد شدی؟

**معتاد اولی:** من معتاد نیستم.

**خبرنگار:** بله، می‌دونیم! ولی دلیل اعتیاد تون چیه؟

**معتاد اولی:** راستش من خیلی خجالتی بودم. اولین بار که بهم مواد تعارف کردن، توی رودربایستی دوستانم موندم و مجبور شدم بکشم. آخه اونا هم خیلی تعارفی بودن و هی می‌گفتن حالا یه پک بزن، فقط یه پک. دیگه روم نشد بگم نه و همین جور ادامه دادم. البته بگم که من معتاد نیستم.

**خبرنگار:** خب ممنون. شما چطور معتاد شدی؟

**معتاد دومی:** راستش من نمی‌تونستم «نه» بگم.

**خبرنگار:** دوست قبلی مون هم به همین علت معتاد شده بود.

**معتاد دومی:** نه، من برعکس اولی خجالتی نبودم، خیلی هم پررو بودم، ولی به دلیل مشکل لوزوی، کلا کلمه «نه» رو نمی‌تونستم تلفظ کنم. هی دوستانم می‌گفتن بیا بکش، هی می‌خواستم بگم نه، زبونم توی حلقم نمی‌چرخید، می‌گفتم باشه. دیگه مجبور شدم بکشم و معتاد شدم. الان هم از وقتی او امدم اینجا، دارم گفتاردرمانی می‌شم و کم‌کم می‌تونم بگم «نه».

**خبرنگار:** دوست عزیز، شما چطور معتاد شدی؟

**معتاد اولی:** این هم مثل من معتاد نیست.

**خبرنگار:** بله، از قیافه شون معلومه. حالا که چرت می‌زنی، می‌ریزم سراغ بعدی.

**معتاد چهارمی:** من هم مشکل مهارتی داشتم.

**خبرنگار:** یعنی شما هم مهارت «نه» گفتن نداشتی؟

**معتاد چهارمی:** چرا، من می‌تونستم بگم «نه»، ولی مهارت «نه» شنیدن رو نداشتم. اولین باری که مواد کشیدم، خیلی زیاده روی کردم، بعد دوستانم هی می‌گفتن بسه دیگه، من می‌گفتم نه، هنوز باید بکشم، باز اونا می‌گفتن نه، نکش دیگه، ولی متأسفانه من مهارت نه شنیدن نداشتم و همین‌طور ادامه دادم تا به اینجا رسیدم.

**خبرنگار:** بریم سراغ آخرین نفر، شما چطور معتاد شدی؟

**معتاد پنجمی:** من هم مهارت نداشتم.

**خبرنگار:** وقت نداریم که حدس بزنیم شما دیگه مهارت چی رو نداشتی. خودت زود بگو.

**معتاد پنجمی:** من مهارت قبول شکست رو نداشتم. اولین باری که شکست عشقی خوردم، رفتم سراغ مواد. بعد یه مدت ترک کردم و رفتم دنبال کار، توی کارم موفق بودم، ولی چون مهارت پاس کردن چک رو هم نداشتم، ورشکسته شدم و چون مهارت شکست نداشتم، باز معتاد شدم. دوباره خانواده من رو بردن ترک دادن. این بار

از دواج کردم و زندگی خوبی داشتم. یه روز داشتم ظرف می‌شستم و همسر من برام میوه پوست کنده بود، اشتباهی چندتا از بشقابای جهیزیه همسرم از دستم افتاد و شکست. اون هم عصبانی شد و گفت تو فقط مهارت شکستن داری. دیگه باز اعصابم به هم ریخت و باز رفتم معتاد شدم تا الان که در خدمت شما هستم.

**معتاد اولی:** خواهش منصاحبه این رو چاپ کنین، وگرنه باز شکست عاطفی می‌خوره و دوباره معتاد می‌شه!



جاهایی رو که هوش مصنوعی تشخیص می‌ده، بوق بلند بزنه. دسته سوم هم کارشون مثل دسته قبل راحتیه. فقط صدا رو باید صدای بوق کامیون، تریلی یا حتی قطار بذارن. دسته چهارم رو که اصلاً پیشنهاد نمی‌کنم با خودتون پخش‌کننده موزیک حمل‌کنن، چون مسلماً چیزای خیلی سنگین‌تر و بزرگ‌تری رو باید حمل‌کنن و جیبشون برای این سوسول بازی جا نداره!

میکروفون دار رو که سبکه و اذیتشون نمی‌کنه، داشته باشن. دسته اول لایت موزیکای ملایم توش بریزن یا آهنگ‌های سنتی و آرامش بخش. هر زمان هم هوش مصنوعی متوجه شد طرف داره وارد گودمی‌شه، این موزیکارو پخش می‌کنه تا به آرام شدن جو کمک کنه. کار دسته دوم راحت‌تره. اونا فقط یک صدای بوق پیکانی، پرایدی یا نهایتاً پژویی توش ذخیره‌کنن که موقع ورود به جدال و درگیری به صورت خودکار

فردرو فارچی  
فروش نوکیهای ابرائی  
تضییع حقوق مردم است، مردم شکایت کنند  
فردروسازان داخلی  
فردروسازان از

بخش پرداخت وام ها:  
رئیس اداره معاملات مازندران  
و نوبت اول وزارت بهداشت  
برخی زایمان های  
پرداخت وام های  
زودرس  
موجب علاقه بیشتر مانیان  
بانک ها و اقازاره ها  
به دلیل تاریخ  
تولد خاص  
موجب امر است  
افزایش می شود

نایب رئیس فدراسیون فوتبال:  
پاداش کمتر از ۲ هزار دلار  
اعضای هیئت رئیسه  
بابت زایمان برای بازی های لیگ برتر ممنوع!  
از آجیل پر خوردم پول ها  
آجیل پر  
محققان می گویند مغز پول دارها دیرتر پیر می شود  
پلیس راهبور:  
پنج شش میلیون موتورسوار آواهی نامه ندارند  
تجدد دارند موقع تک چرخ جلبرخی مدارس به سی

از سس بارانه کا کبر  
شش دهک  
جامعه  
زیاد است، آن ها  
توان حمل  
خریدهای کا کبری به  
خانه راندارند

WikiLeaks  
وبلی ویکس  
مخفی جواد فانی خواه

افشای مکالمات جلسه مدیران برای کنترل آمار دوبرابری دختران نسبت به پسران در کنکور امسال

● مسئول سازمان سنجش: حاجی امسال ۶۳ درصد دختران شرکت کردند و فقط ۳۷ درصد پسران.

● مسئول نظام وظیفه: اینکه درس بخون نیستن، کاشکی مدت سربازی رو می کردیم شیش سال.

● مسئول امور جوانان: آمار ازدواج رو چی کار کنیم؟ دیگه کی به کی جزوه بده؟

● مسئول وزارت ارتباطات: به نظرم به پسران دو گیگ بسته تشویقی اینترنت بدیم برای شرکت توی کنکور.

● مسئول امور نمره ها: من می گم شرط مشروطی رو برای معدل پسران از ۱۰ بیاریم روی ۲.

● مسئول دانشگاه آزاد: اگه موافقین، برای اینکه پسران تشویق بشن، شهریه دختران رو دوبرابر کنیم.

● مسئول امور جمع بندی: ممنون از ایده های خلاقانه همگی. بریم شام.

پیکه  
آرش آرمانی

در حاشیه افزایش جریمه ها به منظور افزایش ایمنی مردم

وضعیت خزانه دولت

پیش از افزایش جریمه ها  
باجریمه های جدید

وضعیت ایمنی رانندگی

پیش از افزایش جریمه ها  
باجریمه های جدید

صفحه ۶  
۸ اردیبهشت ۱۴۰۳  
شماره ۱۰۴

چه با حال! اتفاقا من هم به همچین ایده ای توی ذهنم. قیمت ارز و سکه و نرخ تورم رو همسان سازی کنیم. مثلا الان که دلار ۶۳ تومنه، سکه رو هم ۶۳ میلیون کنیم. نرخ تورم به ۶۳ درصد برسونیم. این طوری دیگه لازم نیست ثانیه ای به بار سایت قیمت این بزرگواران رو ریفرش کنی و علاوه بر ذخیره بسته دیتای اینترنتت، دیگه برچسب قیمت کالاها رو هم فرت و فرت عوض نمی کنیم و عین تاریخ تولدای رندتوی ذهن همه می مونه! چطوره!؟

مسئول  
اقتصاددان

من خودم ۷۹/۹/۹ دنیا اومدم، شوهرم متولد ۶۹/۹/۹ بوده، پسر من ۹۹/۹/۹ سز کردم! ما خانوادگی ژندزاییم. ستیلا چون حرص زن، بعضی چیزا ژنتیکیه. باید توی ذات باشه عشقم. حالا ایشالا بچه ت بختش عین تاریخ تولدش قیمت نشه. راستی خوشگلا، برا اون یکی پیب موندم ۳/۳/۳ قشنگ تره یا ۵/۵/۵؟ ۳/۳/۳ تورو خدا کمک کنین!

پانته آ  
بوی میکر

هشدار وزارت بهداشت درباره زایمان تقویمی در تاریخ های رند: این بار ۱۴۰۳/۰۲/۰۱ (انتخاب)

دختر! من می خوام بچه ۳/۰۳/۰۳ به دنیا بیاد، ولی دکتر نکبتش همکاری نمی کنه. می گه هنوز باید پنج ماه دیگه صبر کنی که ریه و کبد در بیاره. نمی فهمم ریه اون فنچ مهم تره یا تاریخ لاکچری زایمان من؟ آخرش هم پانته آ بچه ش رو رند می زاد، من نه، آه...

ستیلانوی



صفحه ۷  
۸ اردیبهشت ۱۴۰۳  
شماره ۱۰۴

## شکست عشقی

بود، عاشقم شد. هر روز با من صحبت می کرد و می گفت: «من عاشق شما هستم. من او دم تا هرکاری از دستم بریاد، براتون انجام بدم. من بدون شما چیزی نیستم و...» من هم روز به روز بیشتر عاشقم می شدم. روی خودم با دهانم «ها» می کردم و با پشت آستینم لکه ها را تمیز می کردم تا عیب و ایرادی نداشته باشم. (چون به این شیشه پاک کن ها و روزنامه ها اعتمادی نداشتم!) تا اینکه یک روز باقیافه ای ژولیده آمد و با عصبانیت مشتی حواله من کرد و گفت: «از شما بدم می آید! چرا به من رأی ندادین؟!» من که با دلی شکسته متوجه شده بودم او عاشق [رأی] مردم بوده و نه من، به او گفتم: «خود شکن، آینه شکستن خطاست!» ولی گوش نکرد و گریه کنان رفت تا صندلی مدیرعاملی اداره ای جایی پرنشده است، با عشقی یک طرفه به مردم خدمت کند!

من تا حالا خودم راننده ام، ولی خب خیلی ها به من که می رسند، نگاهشان به من گره می خورد. این ویژگی آینه هاست. خب راستش را بخواهید، نگاه من هم به آن ها گره می خورد. وقتی می آیند درست جلومن و خودشان را زیبا می کنند و گاهی عشو و ادا و اطوار درمی آورند، مگر می شود عاشقشان نشد؟! ولی نمی دانم چرا عمر این عشق همیشه کوتاه بوده است. سریع می رفتند. این فقط مشکل من نبود؛ مشکل همه فامیل هایمان هم بود. پسرعمویم آینه تا کسی بود و می گفت عاشق مسافران عقب می شد، ولی سر قرار دیگری می رفتند. پدر بزرگم آینه حمام نمره محله بود و می گفت حتی سیبل کلفت ها هم روی من قلب می کشیدند، ولی با من دوست نمی شدند و می رفتند. آینه سرپیچ جاده هراز هم یکی از فامیل های دورمان بود که عشقش راهیج وقت پیدا نکرد. چون می گفت همه چاق و چله اند و من با این شندرغاز حقوق راهداری چگونه شکمشان را سیر کنم؟! برادر بزرگم هم که از شانسی بدش آینه سالن آرایش عروس شده بود و عاشق هرکی می شد، قبل از بله رابه یکی دیگر داده بود! خلاصه، پس از تجربه شکست های عشقی بیایی، بالاخره یک آقای خوش تیپ با یقه بسته و ریش خط گرفته شده که من را از سمساری قبلی خریده



## علی رضایی، عضو کمیسیون اقتصادی مجلس: احتمال کاهش نرخ در بازار آزاد در روزهای آینده بسیار زیاد است (تسنیم)

<p>ناصر خسرو: <b>احتمال تغییر شغل و زدن در کار فروش آنلاین دارو بسیار زیاد است</b></p> 	<p>عبسی زارع پور، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات: <b>احتمال رفع فیلتر گوگل پلی در کار گروه زیاد است، اما نمی دانم چرا رأی نمی آورد؟</b></p> 	<p>رئیس سازمان هواپیمایی کشوری: <b>احتمال کمیاب شدن جت شخصی در بازار به علت تقاضای بالا زیاد است</b></p> 	<p>مدیرعامل باشگاه تراکتور: <b>احتمال کاهش تعداد قهرهای گل محمدی در تیم تراکتور بسیار زیاد است</b></p> 	<p>مسعود فراستی: <b>احتمال حرکت کیفیت محصولات نمایش خانگی از مقوا به سمت کارتن بسیار زیاد است</b></p> 
--	---	--	--	---

معاون شرکت عمران شهرهای جدید: شش دهک جامعه توان خرید خانه را ندارند (تابناک)

**بی خانمان**

خداوندا توانی ده که بگیرم خانه ای ارزان به گنبد یا به آبادان، به مشهد یا که لاهیجان به کرمان یا به کردستان، به گیلان یا که خوزستان به سمنان یا به رفسنجان، به زنجان یا به هرمزگان به هر جایی که شد، حتی سر قله، ته دره! میان غار تاریکی، به جنگل یا به دشتستان شما اصلا زمینش را برای من فراهم کن خودم می آورم بعدش برایش آهن و سیمان زمینی هم نه در سجاد یا سمت شمال شهر نه از آن ها که بنشینند از ما بهتران در آن از آن قطعه زمین هایی که دور از شهر افتاده خداوندا اگر حتی زمین هم نیست، پس لطفا بده یک چادری تا که بیاسیم در آن یک آن دریغ از چادری حتی؟! میسر نیست آن هم، هان؟! چه باید کرد؟ خواهیم ساخت با این وضع ناسامان! بده پس لااقل میخی که کوبیم من به جایی تا «قبای ژنده خود را» کنم از میخ آویزان فقط ماندم که میخ را بکوبانم کجا یارب!! بکوبم بر زبان خود و یا بر مغز مسئولان!!



الهی! تو را سپاس می گوئیم که باران رحمتت را بر ما نازل می کنی. تقاضا داریم اگر این باران منجر به سیل شد، تدبیر مدیریتش را هم به ما عطا کنی.

**پلخمون**

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا  
 صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
 مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر  
 سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی  
 دبیر ضمیمه: ارزنگ حانمی  
 دبیر پلخمون: مجتبی نضعی راد  
 پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹  
 دریافت نسخه الکترونیک از: shahrarnews.ir

**جت سواران**

در خبرها آمده بود که خرید جت های خصوصی برای عموم آزاد است. دیدید بی خودی این قدر نگران بودید که شاید خریدش آزاد نباشد؟ این هم از این مشکل که حل شد. مسئولان همیشه در کنار ما مردم هستند که با خیال راحت برویم و جت بخریم.



جت سازهای داخلی ممکن است بوی پول بکشوند.

دیگه بیشتر قطعاًش توی انبار بود. به کم خلافت هم بهش اضافه کردیم.

به کم قیافه ش آشنا نیست؟

برای پدران صاحب چند فرزند طرح تشویقی گذاشتن!



عه جت ثبت نام کردی؟ پارتی داشتی؟

طرح های تشویقی خرید جت هم احتمالاً متفاوت خواهد بود.



حمایت های دولتی از خرید هم در راه است.

اگه با طرح فجرانه بتونیم بچی رو قسطی برداریم، خوبه.

آررره، چشم جاری ها هم از حسودی درمی آد.



زحمات مسئولان هم شکل دیگری به خودش می گیرد.

با زحمات شبانه روزی همکارانم این پروژه سخت با صرف شونصد همت بود چه بعد از چندسال آماده بهره برداری شده!



چه بلایی سرت اومده؟

لعنت به جت های ملخی!

و فراموش نکنیم این جت سواری می تواند تا حدی تلاقی کار خرابی های پرنندگان باشد.



سه میمه سوخت رو نریختن؟ داریم سقوط می کنیم!

ساعت ۱۲ امشب واریز می شه! باید صبر کنی دیگه.

البته که جت سواری هم مشکلات خاص خودش را دارد.